

سبک‌های تفکر و مهارت‌های اجتماعی

انسبیه عابدینی منش، کارشناس ارشد علوم تربیتی و معاون مجتمع آموزشی
سید جلال خادمی نوش آبادی، مدرس دانشگاه، مشاور و دبیر آموزش و پرورش

تصویر سازشیم موسوی



مقدمه

علت تفاوت در عملکرد تحصیلی و میزان موفقیت دانش‌آموزانی که دارای استعداد‌های مشابه هستند، چیست؟ چرا برخی دانش‌آموزان با استعداد‌های درخشان و توانمند دچار افت تحصیلی می‌شوند؟ چرا در میان آموزگاران با توانمندی‌های مشابه، تفاوت‌های قابل توجه در عملکرد، موفقیت و رضایت از شغل و حرفه وجود دارد؟ و چرا... یافتن پاسخ سؤالات فوق و بسیاری سؤالات دیگر از این دست، امروز به موضوع و دغدغه‌ای جدی برای مسئولان، مربیان، صاحب‌نظران و... تبدیل شده است. مراکز علمی و پژوهشی نیز در تلاش برای بررسی و تعیین ماهیت و کارکردهای تعاملات اجتماعی هستند. بدیهی است، مهارت افراد در برقراری ارتباط سالم و مؤثر نقش ویژه‌ای در رشد و توسعه فردی و اجتماعی دارد. همان‌گونه که برای مدیریت جامعه روش‌های متفاوتی وجود دارد، افراد نیز برای بهره‌گیری از توانایی‌های خود از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند (شکری و همکاران، ۱۳۸۵).

کلیدواژه‌ها: سبک تفکر، مهارت‌های اجتماعی

تأثیر سبک تفکر

اینکه محیط پیرامونی فرد تا چه اندازه با سبک تفکر او هم‌سوسست، بر عملکرد او تأثیرگذار خواهد بود (سلک و آتش‌پور، بی‌تا). گرچه ساخت‌های اجتماعی و هیجانی، و عملکرد حوزه‌های متفاوت هوش (به تعبیر گاردنر هوش‌های چندگانه) درک و تصور ما را نسبت به آنچه افراد قادرند انجام دهند، گسترش می‌دهند اما ساخت سبک‌های تفکر، درک و تصور ما را نسبت به آنچه افراد ترجیح می‌دهند انجام دهند، بسط می‌دهد. بسته به اینکه نیم‌رخ سبک‌های تفکر فرد تا

چه اندازه و چگونه با انتظارات محیط تطابق یابد و چگونه فرد محیط را ارزیابی کند، عملکرد و موفقیت او شکل خواهد گرفت.

از این‌رو شاهد سوء تفاهم‌های فراوان در عرصه‌های گوناگون روابط اجتماعی میان والدین با یکدیگر و با فرزندان، میان معلمان و دانش‌آموزان، میان مسئولان و کارکنان و... هستیم. داشتن درک درست و مناسب از سبک‌های تفکر به افراد کمک می‌کند با شناخت بهتر خود و دیگران مانع بروز این سوء تفاهم‌ها یا لااقل کاهش آن‌ها شوند (استرنبرگ، ۱۳۸۰).

جریان‌های شناختی و ذهنی که شخص از آن‌ها آگاهی دارد، علت رفتار محسوب می‌شوند. بر این اساس انسان یک پردازشگر اطلاعات و حل‌کننده مسائل است (آزاد، ۱۳۷۹). رفتار دارای مؤلفه‌هایی است که حاصل فرایند گردآوری یا دریافت اطلاعات، پردازش و اندوختن اطلاعات و کسب شناخت است. این امر از طریق احساس، ادراک، حافظه و تفکر صورت می‌گیرد. تفکر مستلزم عملیات و فرایندهای ذهنی گوناگونی است که عبارت‌اند از: تصویرسازی، مفهوم‌سازی، خلاقیت، حل مسئله و زبان (هافمن، ۱۳۷۹).

سبک تفکر عبارت است از شیوه ترجیحی تفکر. به عبارت دیگر، سبک تفکر به شیوه ترجیحی افراد در استفاده از توانمندی‌های فردی‌شان اشاره دارد. این امکان وجود دارد که افراد توانایی‌های مشابهی داشته باشند اما سبک‌های تفکرشان متفاوت باشد. بر این اساس، افراد با سبک تفکر متفاوت مایل هستند، از توانایی‌های خود به شیوه‌های متفاوت استفاده کنند و متناسب با نوع تفکرشان واکنش‌های متفاوت نشان دهند (استرنبرگ، آلبرشت، ۱۳۸۰).

دیدگاه‌های متفاوت درباره سبک تفکر

بر اساس «نظریه میندکس»، سبک تفکر شیوه منحصر به فردی است که هر شخص در پردازش اطلاعات، کسب دانش و معرفت، سازمان دادن به تفکرات خود، شکل دادن به نگرش‌ها و باورها، به کارگیری ارزش‌ها، حل مسائل و بیان مقصود خود برای دیگران به کار می‌گیرد (آلبرشت).

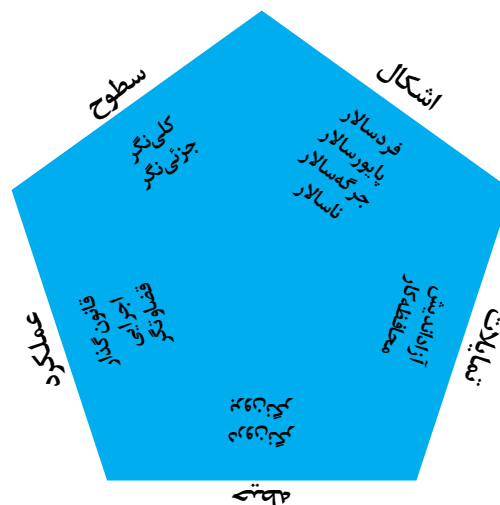
مایکل کرتون در نظریه سبک تفکر خود با عنوان «نظریه تطابق - نوآوری»، اشاره می‌کند که رویکرد ترجیحی فرد در حل مسئله را می‌توان روی طیفی از سازگاری یا تطابق بسیار تا نوآوری بسیار در نظر گرفت.

کلی اشاره می‌کند که هر فرد در اصل یک دانشمند است و در همه حال تلاش می‌کند تا بفهمد، درک کند، بیندیشد، تفسیر و کنترل کند و در نهایت دنیای خود را به منظور سازگار شدن مؤثر با آن پیش‌بینی کند (شاملو، ۱۳۸۲).

آلبرت آلیس نیز عقیده دارد: «رفتار بیشتر به نظام باورهای فرد و شیوه‌های تعبیر و تفسیر وی از رخدادهای پدیده‌ها، و شرایط و موقعیت‌ها بستگی دارد، نه وضعیت عینی داده‌ها» (آزاد، ۱۳۷۹).

این شیوه‌های تعبیر و تفسیر و نظام باورها و به تبع آن‌ها رفتارهای صادره از افراد، در اجتماع و بافت فرهنگی و از طریق نظام آموزش و پرورش رسمی [و غیر رسمی] شکل می‌گیرند. (سرکار آرنی و همکاران، ۱۳۹۱). نتایج تحقیقات، پژوهش‌ها و نظریه‌پردازی‌ها حاکی از آن است که رفتارهای اجتماعی مطلوب تأثیرات مثبت بسیاری بر عملکرد خود فرد دارند و سهم بسزایی در بهبود عملکرد جوامع دارند (بیرهوف، ۱۳۸۴).

نمودار سبک‌های تفکر از نظر استرنبرگ



فلیپیس خاطر نشان می‌سازد که داشتن مهارت‌های اجتماعی به معنی دانستن چگونه رفتار کردن در وضعیت‌های گوناگون است.

اسلانگ و مکافان (۱۹۸۵) بر این عقیده‌اند که مهارت اجتماعی عبارت است از: فرایندهای مرکبی که فرد را قادر می‌سازند به گونه‌ای رفتار کند که دیگران او را با کفایت تلقی کنند.

به زعم **مک‌گوایر و پریستلی** (۱۹۸۱)، مهارت‌های اجتماعی به رفتارهایی گفته می‌شود که شالوده ارتباطات موفق رودررو را تشکیل می‌دهند (بیرهوف، ۱۳۸۴).

مهارت‌های اجتماعی مهارت‌هایی هستند که در محیط و بافت فرهنگی خویش به آن‌ها نیاز داریم. مهم‌ترین متغیری که در تحول سبک‌های تفکر نقش دارد، «فرهنگ» است. فرهنگ‌های مختلف به برخی از انواع سبک‌های تفکر اهمیت بیشتری می‌دهند. برای مثال، برخی فرهنگ‌ها تفکر ابداعی، خلاق و آزاد اندیشانه را تشویق می‌کنند. برخی دیگر که بر هم‌نوایی و آداب و رسوم و سنن تأکید دارند، بیشتر سبک‌های تفکر اجرایی و محافظه کارانه تشویق می‌کنند. البته جنسیت، سن، سبک تفکر والدین، مدرسه و شغل از دیگر متغیرهای مؤثر بر سبک‌های تفکرند.

نظریه استرنبرگ

مبحث سبک‌های تفکر بر «نظریه خودمدیریتی ذهنی» استرنبرگ استوار است. استرنبرگ ۱۳ سبک تفکر را مطرح می‌کند و آن‌ها را بر اساس عملکرد یا کارکرد، شکل، سطح، حیطة یا حوزه، و گرایش یا تمایل در پنج بعد از یکدیگر متمایز می‌کند. در ادامه به معرفی اجمالی چند مورد از این سبک‌ها می‌پردازیم.

۱. **سبک تفکر قانون‌گذار:** افراد دارای سبک تفکر قانون‌گذار تمایل دارند خود تصمیم بگیرند چه کاری را و چگونه انجام دهند، قوانین را خود وضع کنند و به مسائلی بپردازند که قبلاً برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی نشده باشند.

۲. **سبک تفکر اجرایی:** افراد دارای این سبک تفکر مایل به پیروی از مقررات و انجام امور از قبل برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شده و ایفای نقش در ساختارهای موجود هستند.

۳. **سبک تفکر قضاوتگر:** این دسته از افراد مایل به ارزیابی قوانین و برنامه‌ها، تحلیل و ارزیابی وضعیت موجود و نگارش و طرح مطالب و عقاید انتقادآمیزند.

۴. **سبک تفکر فردسالار:** افراد دارای این سبک تفکر خود محورند و بیشتر تمایل دارند، خود به حل مسائل بپردازند و نمی‌خواهند دیگران در حل مسائل به آنان کمک کنند.

۵. و...

بر اساس «نظریه میندکس»، سبک تفکر شیوه منحصر به فردی است که هر شخص در پردازش اطلاعات، کسب دانش و معرفت، سازمان دادن به تفکرات خود، شکل دادن به نگرش‌ها و باورها، به کارگیری ارزش‌ها، حل مسائل و بیان مقصود خود برای دیگران به کار می‌گیرد

نتیجه‌گیری

مانایی و پویایی هر نظام اجتماعی مستلزم وجود سامانه‌ای از روابط اجتماعی میان انسان‌هاست. جامعه دربارهٔ کسانی که توانایی‌های مشابه یا یکسان دارند، همیشه یکسان قضاوت نمی‌کند. افرادی که بر اساس سبک تفکرشان در موقعیت‌های خاص متناسب با انتظارات جامعه عمل می‌کنند، به‌عنوان کسانی که دارای سطوح بالای توانایی هستند، مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرند.

به زعم استرنبرگ و بر اساس نظریهٔ خودگردانی ذهنی، نوع و شکل حکومتی که ما در جهان داریم تصادفی نیست بلکه بازتاب بیرونی افکاری است که در اذهان مردم وجود دارد. در این رابطه موازنه‌هایی بین سازمان فرد و ساختار جامعه وجود دارد. همان‌طور که جامعه به اداره کردن نیاز دارد، افراد نیز باید خودشان را اداره کنند، بر اساس اولویت‌ها تصمیم بگیرند و منابعی را اختصاص دهند، و نسبت به تغییرات پاسخ‌گو باشند. همچون جامعه که موانعی در سراسر راه تغییر و توسعهٔ آن وجود دارد، انسان‌ها نیز در مسیر رشد و تکامل با موانعی مواجه می‌شوند که برای برداشتن یا گذار از آن‌ها باید بکوشند و تدابیری بیندیشند.

اگر بپذیریم که تفاوت در شیوه و نحوهٔ اندیشه و رفتار افراد جامعه ریشه در چگونگی فرایند «اجتماعی شدن» و شکل و محتوای آن دارد، آن‌گاه نمی‌توان مدرسه را صرفاً مکانی برای آموزش و ارائهٔ دانش دانست. در مدرسه افراد شیوهٔ دسته‌بندی اطلاعات، تفسیر اطلاعات، نحوهٔ بیان مطالب به‌صورت مجاب‌کننده، نحوهٔ برخورد با کلمات و واژه‌های احساسی و... را می‌آموزند و از طریق تمرین در ذهن، آن‌ها را نهادینه می‌سازند.

شایان توجه بسیار اینکه در فرایند یاددهی-یادگیری در مدرسه، نه تنها سبک‌های تفکر دانش‌آموزان و معلم، بلکه تناسب بین تدریس و شیوهٔ تفکر دانش‌آموزان مورد مذاکره قرار می‌گیرد. برای مثال، درس نگارش را می‌توان با تأکید بر ارائهٔ مقالات انتقادی (سبک قضاوت‌گر)، مقالات خلاق (سبک قانون‌گذار) یا... تدریس کرد.

ما به‌عنوان معلم باید این نکته را در نظر داشته باشیم که در فعالیت‌های آموزشی ممکن است افراد توانا را از فرصت‌های لازم محروم کنیم یا در مقابل برای افرادی با توانایی‌های کمتر فرصت‌هایی به‌وجود آوریم. توجه داشته باشیم که اگر سبک‌های تفکر را در نظر نگیریم، با به‌کارگیری مفاهیمی نامرتب و گیج‌کننده و ندانستن سبکی مناسب، افراد توانمند و موفقیت‌های احتمالی آینده‌شان را مورد غفلت قرار داده‌ایم.

فعالیت تکمیلی

معلم یکی از مدارس در پژوهشی ویژگی‌های همکاران خود را چنین یافت:

- هنگام تصمیم‌گیری به ایده‌ها و روش‌های خود در انجام کارها تکیه می‌کنم.
- مایل‌م نظرها یا ایده‌های مخالف را بررسی کنم.
- برای خودم و بدون شرکت در برنامه‌های سازمان‌یافته فعالیت می‌کنم.

● اگر کارهای مهم و متعددی باشند که باید انجام داد، من کاری را که برای خودم اهمیت دارد، انجام می‌دهم. تشخیص اینکه هر کدام از همکاران چه سبکی دارند با شما.

منابع

1. آزاد، حسین. آسیب‌شناسی روانی. تهران، بعثت ۱۳۷۹
2. استرنبرگ، رابرت. جی. سبک‌های تفکر. ترجمهٔ خسروی و اعتمادی. نشر پژوهش دادار. ۱۳۸۰
3. اون هارجی، کریستین ساندرز و دیوید دیکسون، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمهٔ مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی. انتشارات رشد. ۱۳۸۴
4. بیرهوف، هانس ورنر، رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، ترجمه رضوان صدقی‌نژاد، نشر گل آذین، ۱۳۸۴
5. سرکارآرانی، محمدرضا، و همکاران. پرورش هنر استدلال. منادی تربیت. ۱۳۹۱
6. سلک، نرگس و سید حمید آتش‌پور. رابطهٔ سبک رهبری و سبک‌های تفکر در مدیران، مقالهٔ ارائه شده در چهارمین کنفرانس مدیریت.
7. شاملو، سعید. مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت. تهران. انتشارات رشد. ۱۳۷۲
8. شکری و همکاران نقش رگه‌های شخصیت و سبک‌های تفکر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۸۵
9. فرمینی فراهانی، محسن و فاطمه پیداد. مهارت‌های زندگی، ده مهارت کلیدی زندگی، نشر شباهنگ. ۱۳۹۱
10. هافمن، کارل. روان‌شناسی عمومی. ترجمهٔ بحیرانی. تهران، نشر ارسباران. ۱۳۷۹

10. Albrecht, Karl. Mindex Theory: [www/karlAlbrecht.com/mindex/mindextheory.htm](http://www.karlAlbrecht.com/mindex/mindextheory.htm).

11. Kelly, J.A. and Priestly, P. (1981) Life after school. Asocial skill curriculum. Pergamon, Oxford.

12. Kirton, Michael, Adaptation - Innovation Theory (KAI)

Cognitive style -wikipedia, en. wikipedia.org/wiki/cognitive_style

13. Kelly, E.A. 1982, social skills training: A practical guide for intervention, Springer, New York

14. Schlundt, D. and Mcfall, R (1985) new direction in the assessment of social competence and social skill in L. Abate and M. Millan (eds). Handbook of social skill training and research. Wiley. New York.